



حرف اول

موضوع این شماره، با توجه به حساسیت ویژه‌ای که شرایط جاری جهانی، در اذهان و محافل سیاسی برانگیخته است، می‌تواند سرآغاز تحقیقات و بحث و بررسی‌های کارآمد و نوینی در قلمرو حکومت جهانی واحد، آن هم از دیدگاه اسلامی و با تأکید بر نظریه متعالی مهدویت، به شمار رود. اهمیت این بحث هنگامی روشن می‌شود که با آگاهی کامل، شرایط زمانی و فضای کنونی حاکم بر جهان را از نظر بگذرانیم و دست کم نسبت به بخشی از آنچه دسیسه‌بازان غربی بر سر آینده انسان و انسانیت می‌آورند، مطلع گردیم. این شماره از نشریه، با نگاهی به مفهوم حکومت جهانی واحد، به بررسی و نقد و نظر مبانی، اصول، قلمرو، شیوه‌ها و راهکارهای تشکیل و تأسیس چنین حکومتی از دو منظر سکولار و الهی می‌پردازد. در این راستا، به نظر می‌رسد دست کم دو دیدگاه متمایز وابسته به دو اردوگاه متفاوت فکری اسلام و غرب تا حدودی مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بشریت امروزه در جهان کنونی، در ارتباط با حکومت جهانی واحد، با دو طرز نگرش کاملاً متمایز روبه‌رو هستیم که یکی انسان را به خودآبی، خودمحوری، خویش‌پرستی و بریدگی از عالم ملکوت و جهان ماورا فرا می‌خواند و دیگری او را به بندگی حق، خدامحوری، خداپرستی و ولایت‌پذیری پروردگار عالمیان دعوت می‌کند. یکی از این دو دیدگاه حاکمیت را حق انسان شمرده، انسان را آزاد و رها از هر قید و بندی می‌خواهد و دیگری

حاکمیت را به خداوند و جانشینان او بر روی زمین اختصاص داده، انسان را موظف به پذیرش و التزام نظری و عملی به ولایت الهی و ولایت اولیاء او می‌داند. نظریه پردازان اردوگاه غرب در عصر قدرت‌مداری و یکه‌تازی غرب، مسحور از هیمنه غرب، فرصت را برای پردازش و ترویج اندیشه حکومت جهانی در شکل و ساختار لیبرال - دمکراسی و به رهبری و سالاری آمریکا مغتتم دانسته، از همه ابزارها و امکانات بهره‌برداری می‌کنند تا به سایر دولت‌ها، حکومت‌ها و جوامع خرد و کلان بقبولانند که چاره - ای جز پذیرش حاکمیت و سلطه غرب پیش روی خود ندارند. آنان تقریباً همه امکانات و استعداد‌های خود را برای القاء و تزریق این منظور و تحقق این مقصود به کار بسته‌اند تا فضای جهانی را برای سلطه آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش بیش از پیش فراهم سازند. درست در نقطه مقابل این جریان، از دیگر سو، جریان اسلام ناب محمدی، با اتکاء بر فرهنگ غنی و متعالی و موضع با ثبات، فعال، پیش‌رونده و مناسب خود، اندیشه نظم نوین جهانی غرب را به چالش جدی کشانده است. ضرورت این امر هنگامی آشکار می‌شود که دریابیم اسلام با داعیه و انگیزه جهانی شدن آمده است که تا ابد استوار و ماندگار بماند و بر همه ادیان و مکاتب برتری جوید و هیچ دین و مکتبی بر او فائق نیاید. در چنین عصر و فضایی، پرداختن به آینده انسان و بشریت، آن هم با توجه به مبانی، اصول و ارزش‌های حکومت جهانی واحد از منظر مهدویت، بسیار ضروری و حایز اهمیت می‌نماید.

آینده‌نگری در ترسیم چشم‌انداز و روند رشد و تکامل جامعه بشری تأثیر به‌سزایی بر جای می‌گذارد. ارزیابی و ارزش‌شناسی این تأثیرگذاری ما را با بسیاری از حقایق عالم انسانی آشنا می‌سازد. ما همیشه آرزو می‌کنیم جزو برترین - ها باشیم و علاقه داریم در هر زمینه‌ای به عالی‌ترین‌ها دست یابیم. این که این حالت را از کی و کجا به دست آورده‌ایم، پرسش اساسی انسان‌شناختی ماست. آیا این امر از جنبه‌های اکتسابی و از جمله

طرح‌های رفتاری - تربیتی شخصیت ما به شمار می‌رود یا این که اصولاً از ویژگی‌ها و خواسته‌های فطری و زیستی ما تلقی می‌گردد؟

علاقه به دریافت پاسخ صحیح، ذهن را به فضایی از گرایش‌های فطری می‌کشاند که اساس انسانیت ما را تشکیل می‌دهد. این جا باید از زبان فطرت سخن به میان آورد و به گنجینه‌های فطری انسان اندیشید؛ گنجینه‌هایی که به هدایت وحی و نبوت و با راهنمایی‌ها و راهبری‌های انبیاء الهی و جانشینان آن بزرگواران مکشوف و مشهود انسان‌های تربیت یافته می‌شود. وجود این گنجینه‌ها به ما اصالت و عمق می‌بخشد و اسباب تعالی و تکامل ما را فراهم می‌سازد.

انسان‌ها هنگامی به کمال شایسته خود نایل می‌گردند که تحت اشراف و هدایت مقام ولایت الهی قرار گرفته، از محضر خداوند و وجود اولیاء او مدد بجویند. خداوند همین که آفریدگار جهان و انسان است، به صورت تکوینی بر آن‌ها ولایت دارد، به گونه‌ای که هیچ مخلوقی از ولایت و هدایت تکوینی خداوند خارج و بی‌بهره نیست؛ خداوندی که هر چیز آفریدنی را به خلعت آفرینش وجود بخشید و به زیور هدایت آراست.<sup>۱</sup>

ولایت تشریحی خداوند از لوازم ولایت تکوینی حق تعالی است. لازمه ولایت تشریحی نیز، به نوبه خود، پذیرش حکومت و حاکمیت الهی در همه ساحت - های زندگی مادی و معنوی از جانب بندگان خداوند و التزام فکری، انگیزشی، گفتاری، اعتقادی و عملی آنان به حقیقت و مفاد آن است. ولایت تشریحی خداوند از طریق پیامبر اعظم (ص) و اوصیای بر حق ایشان (ع) به عموم انسان‌ها و جوامع بشری ابلاغ گردیده، اسباب و زمینه‌های سعادت آحاد انسانی را در هر دو جهان تدارک می‌نماید. به امید آن روز که پرچم نظام و حکومت پر افتخار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سراسر جهان به اهتزاز درآید.

#### مدیر مسئول

۱. قال ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی، طه: ۵۰.